

آینده حقوق بین‌الملل محیط‌زیست: ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها

* سید عباس پور‌هاشمی*

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و مدیر موسسه تخصصی حقوق بین‌الملل کانادا، تورنتو، کانادا

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۴/۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۸

The Future of International Environmental Law: Capacities and Limitations

Seyed Abbas Poorhashemi*

Assistant Professor, Department of environmental law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
& President of the Canadian Institute for International Law Expertise (CIFILE), Toronto, Canada

Receipt: 29 June 2017; Acceptance: 9 December 2018

Abstract

Formation of the international environmental law was based on the idea that global environmental protection requires international cooperation and coordination. Since the adoption of the Stockholm Declaration of 1972, this branch of law has experienced various ups and downs. However, despite international efforts to protect the environment, environmental challenges not only continue to exist, but also have increased dramatically in many areas. In fact, the environmental concerns and threats of today's world are beyond the predictions of experts and scientists attending at the United Nations Conference on the Human Environment which was held in Stockholm in 1972. The destruction of the ozone layer, climate change, increasing air pollution, reducing and even eliminating water and land resources, reducing biodiversity, deforestation and desertification are some of the most important problems facing modern life. Therefore, the degradation of environment and the increase of environmental pollution have been showed the inefficiency and efficiency of this field of law. This research seeks to address some shortcomings of the existing environmental capacity by developing a critical approach, and, by reviewing the legal and executive gaps. The result of this study shows that the obstacles of the development of international environmental law are more rooted in cultural, educational and political issues.

Keywords: Future Studies, Sustainable Development, Environmental Challenges, International Environmental Law, Critical Approach.

چکیده

شکل‌گیری رشتہ حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، مبتنی بر این ایده بود که حفاظت جهانی محیط‌زیست نیازمند مشارکت و همکاری بین‌المللی است. از تصویب بیانه استکهلم ۱۹۷۲ بعنوان نقطه عطف شکل‌گیری حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تا به امروز، این رشتہ نویسا فراز و نشیب‌های مختلفی را تجربه کرده است. با این حال، علی‌رغم تلاش‌های بین‌المللی برای حفاظت محیط‌زیست، چالش‌های زیست‌محیطی نه تنها کماکان وجود دارند، بلکه در بسیاری از حوزه‌ها افزایش چشمگیری نیز داشته است. در واقع، دغدغه‌ها و تهدیدات محیط‌زیستی دنیای امروز از این‌جا پیش‌بینی‌های متخصصان و دانشمندان حاضر در اولین کنفرانس بین‌المللی انسان و محیط‌زیست استکهلم ۱۹۷۲ است. تخریب لایه ازن، تغییر آب و هوای افزایش آلودگی‌ها، کاهش و حتی نابودی منابع آبی و خاکی، کاهش تنوع زیستی، جنگل‌زدایی و بیانان زایی از مهم‌ترین مشکلات فراروی بشر امروزی هست؛ بنابراین عدم کاهش تخریب محیط‌زیست و افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی حکایت از ناکارآمدی این رشتہ حقوقی دارد. این تحقیق در صدد است با به کارگیری رهیافت انتقادی، ضمن نشان دادن ظرفیت‌های موجود برای توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، به موانع و کاستی‌های آن پردازد و با بررسی خلاصهای حقوقی و اجرایی، پیشنهادهای را برای جیزان آن ارائه نماید. بر اساس یافته‌های این تحقیق، موضع فراروی توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بیشتر ریشه در مسائل فرهنگی، آموزشی و سیاسی دارد. **کلیدواژه‌ها:** آینده‌پژوهی، توسعه پایدار، چالش‌های زیست‌محیطی، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، رهیافت انتقادی.

* ahashemy@yahoo.com

مقدمه

ویژه‌ای برخوردار است؛ گرچه برخی از این ظرفیت‌های در سایر رشته‌های حقوقی خانواده حقوق بین‌الملل عمومی نیز کمابیش قابل مشاهده است.

برخورداری از مکانیسم حقوقی دائمی برای همکاری بین‌المللی

از آنجا که محیط‌زیست مرز نمی‌شناسد و اهتمام جهانی پیش شرط حفاظت مؤثر از محیط‌زیست به شمار می‌آید، همکاری بین‌المللی نقش اساسی در این خصوص دارد؛ از این رو، بسیاری از اسناد حقوقی به‌ویژه معاهدات زیست‌محیطی در صدد ایجاد مکانیسم‌های حقوقی دائمی، برای ایجاد و یا گسترش همکاری میان دولتها می‌باشند؛ بدین معنا که کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست‌محیطی با ایجاد ساختار و سازمان‌هایی تلاش می‌کنند تا همکاری میان دولتها در حفاظت محیط‌زیست، یک همکاری دائمی و نهادینه باشد؛ بنابراین ملاحظه می‌شود که در بسیاری از معاهدات بین‌المللی زیست‌محیطی، ساختاری برای اجرای کنوانسیون در نظر گرفته شده است (Lavieille, 1997: 18-22). در این چارچوب، معاهدات زیست‌محیطی ممکن است برای نهادینه سازی همکاری بین‌المللی به دو مکانیسم متولّ گردد: نوع اول؛ ارجاع کنترل بر اجرای معاهده زیست‌محیطی به یک سازمان بین‌المللی موجود که در این خصوص می‌توان به کنوانسیون بین‌المللی آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی، لندن^۱ ۱۹۹۰ اشاره کرد که سازمان بین‌المللی دریانوردی^۲ را به عنوان سازمان نظارت بر اجرای کنوانسیون معرفی کرده است. نوع دوم؛ معاهده زیست‌محیطی در متن خود یک سازمان بین‌المللی را به عنوان یک مکانیسم حقوقی دائمی ایجاد می‌کند؛ به طور نمونه می‌توان از کمیسیون بین‌المللی حفاظت از راین در برابر آلودگی‌ها نام برد که بر اساس کنوانسیون برن ۱۹۶۳ درباره حفاظت از رودخانه راین ایجاد گردید.

وجود مکانیسم اجرایی، اصلاح و بازنگری

معاهدات بین‌المللی زیست‌محیطی دارای مکانیسم اجرایی است و برخلاف معاهدات حقوق بین‌الملل عمومی که اساساً خود اطراف معاهده به‌نهایی نسبت به سایر اعضاء، نظارت و کنترل دارند؛ اما در معاهدات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست،

با نگاهی به آمارهای منتشرشده از وضعیت محیط‌زیست جهانی (UNEP, 2016) روشن می‌گردد که تهدیدات محیط‌زیستی دنیای امروز فراتر از پیش‌بینی‌های متخصصان و دانشمندان حاضر در اولین کنفرانس بین‌المللی انسان و محیط‌زیست استکهلم ۱۹۷۲ است. در بسیاری از گزارش‌های رسمی از قبیل گزارش برنامه محیط‌زیست ملل متحد در سال ۲۰۱۶ تصویری گردیده است که تخریب لایه ازن، تغییرات آب و هوای آلودگی هوا، کاهش منابع آبی و خاکی، کاهش تنوع زیستی، جنگل زدایی و بیابان زایی از مهم‌ترین مشکلات فراروی بشر امروزی است (UNEP, 2016: 4-12). با شکل‌گیری حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به عنوان یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی مجموعه‌ای از قوانین و مقررات حقوقی بین‌المللی هستند که هدف آن حفاظت محیط‌زیست جهانی است (Delmas-Marty, 2007: 10-11). با این همه تخریب وسیع محیط‌زیست و انواع آلودگی‌های زیست‌محیطی نه تنها کاهش نیافتهد، بلکه در برخی زمینه‌ها نیز افزایش یافته‌اند. به طور مثال در خصوص موضوع تغییرات آب و هوایی که یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جامعه بین‌المللی به شمار می‌آید، متوسط درجه حرارت جهانی ۰,۸۵ درجه سانتی‌گراد بین سال‌های ۱۸۸۰ و ۲۰۱۲ افزایش یافته است و دانشمندان پیش‌بینی کرده‌اند که این افزایش تا ۲۱۰۰ متوسط ۴,۰-۴,۸ درجه سانتی‌گراد برسد (IPCC, 2013). در واقع افزایش متوسط دمای کره زمین به‌احتمال زیاد باعث تشدید و افزایش گرمایش زمین، خشکسالی، بالا آمدن سطح دریا و ... می‌شود که ممکن است علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فردی انسان‌ها، اعمال بسیاری از حقوق اساسی بشر از جمله حق بر زندگی و حق بر محیط زیست سالم را نیز به خطر اندازد.

ظرفیت‌ها و قابلیت‌های حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

ظرفیت‌ها و قابلیت‌های حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در انطباق با وضعیت دانش و علم محیط‌زیست و در حال رشد بودن آن و با توجه به شناخت جنبه‌های جدید میزان و شدت آسیب‌های واردۀ بر محیط‌زیست انسانی و طبیعی در مقایسه با سایر رشته‌های حقوق بین‌الملل عمومی از برتری

1. International Preparedness, Response and Co-operation (Oil Pollution Preparedness), London, 1990
2. International Maritime Organization (IMO)

بهره‌برداری از نظام کنوانسیون - چارچوب

نظام کنوانسیون - چارچوب^۵ یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد معاهدات بین‌المللی زیست‌محیطی است. کنوانسیون - چارچوب معمولاً برای دولت‌هایی است که تمایل دارند کلیات، اصول و تعهدات کلی خود را در یک متن حقوقی، تحت عنوان کنوانسیون، تدوین نمایند و متعاقباً اسناد یا متون حقوقی دیگری را در راستای اصول و اهداف کنوانسیون تدوین نمایند که اصطلاحاً به این نوع متون، پروتکل^۶ گفته می‌شود. تصویب کنوانسیون چارچوب تغییر اقلیم ۱۹۹۲ و پروتکل کیوتو ۱۹۹۷ در این چارچوب قرار گرفته است (Kiss, 1993: 792-797).

مسئولیت نرم

برخلاف حقوق بین‌الملل عمومی که مبنی بر رهیافت سنتی در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها است، «مسئولیت»^۷ در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بر اساس «مسئولیت نرم»^۸ شکل گرفته است؛ گرچه به طور سنتی می‌توان به متون حقوقی متعددی درباره «مسئولیت سخت»^۹ در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مشاهده کرد که از آن جمله می‌توان به «مسئولیت بین‌المللی آلدگی فرامرزی» اشاره کرد؛ ولی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در تلاش است تا یک نوع مسئولیت مدنی که مبنی بر «جبران خسارت» می‌باشد را به رسمیت بشناسد. این نوع مسئولیت به عنوان یک مسئولیت ناشی از «خطا» شناخته می‌شود نه مسئولیت ناشی از « فعل یا ترک فعل» که عنصر «جرم» معرف آن است (زارع و پورهاشمی، ۱۳۸۶: ۱۱۰-۱۱۱).

کاستی‌ها و محدودیت‌های حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

با وجود ظرفیت‌های حقوقی برای توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، همواره موانع و محدودیت‌هایی نیز وجود داشته است. کاستی‌ها و محدودیت‌های حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به این معنی است که علی‌رغم ظرفیت‌های موجود و با همه تلاش‌های بین‌المللی برای حفاظت

یک دولت بهنهایی نمی‌تواند، کنترل کننده و ناظر اجرای معاهده باشد، بلکه بایستی دولت‌ها، برای اجرای اجرای معاهدات، مکانیسم خاصی پیش‌بینی نمایند؛ همچنین در معاهدات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، پروسه اصلاح و بازنگری معاهده پر رنگ‌تر است، از آنجا که مسائل مربوط به محیط‌زیست همواره در حال تغییر و تحول بوده و دانش و علم نتوانسته همه ابعاد محیط‌زیست را مورد کشف و اکتشاف قرار دهد، از این‌رو در معاهدات زیست‌محیطی مکانیسم اصلاح و بازنگری پیش‌بینی شده است (Kiss and Beurier, 2004: 58). معاهدات و موافقت نامه‌های زیست‌محیطی چند جانبه^{۱۰} با پیش‌بینی نهاد کنفرانس اعضاء^{۱۱} طرفیت حقوقی ویژه‌ای ایجاد نموده‌اند که منجر به گسترش ابزارهای حقوقی بین‌المللی برای حفاظت محیط‌زیست و حفاظت گردیده است. در واقع کنفرانس اعضاء با بررسی گزارش‌های مداوم و مستمر از وضعیت اجرای معاهده و با در نظر داشتن چالش‌های زیست محیطی می‌تواند نسبت به اصلاح و بازنگری آن اقدام نماید (Goodwin, 2013: 45-76). در همین راستا، کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوران و گیاهان وحشی در معرض خطر انقراض و نابودی (واشنگتن ۱۹۷۳) در مواد ۱۲ تا ۱۵ به مکانیسم اجرایی، اصلاح و بازنگری پرداخته است.

تأکید بر حقوق نرم و انعطاف پذیر

یکی از ویژگی‌های حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تدوین و تصویب اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، قطعنامه‌ها، ابزارهای برنامه‌ای و مکانیسم‌های ارشادی می‌باشد. این مکانیسم به دولت‌ها توصیه می‌کند که متناسب با شرایط فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره سیاست‌های زیست‌محیطی خود را تدوین نمایند؛ از این‌رو، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نسبت به حقوق بین‌الملل عمومی از انعطاف پذیری برخوردار است؛ زیرا دولت‌ها ضمن برخورداری از حق حاکمیت بر منابع داخلی خود، نسبت به مدیریت، حفاظت و حمایت محیط‌زیست خود از آزادی عمل بالاتری دارند و می‌توانند قواعد و اصول حقوقی الزام‌آور را در چارچوب سیاست‌های زیست‌محیطی ملی خود اجرا نمایند.

5. Framework Convention

6. Protocol

7. Responsabilité

8. Soft Responsibility

9. Hard Responsibility

3. Multilateral Environmental Agreement (MEA)

4. Conference of the Parties (COP)

به عبارت دیگر دولت‌ها به موازات بهره‌مندی از آزادی در استفاده از سرزمین خود، تکالیفی نیز بر عهده دارند که می‌تواند محدودیت‌هایی را برای آن‌ها ایجاد نماید؛¹¹ علاوه بر آن با توجه به توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل محيط‌زیست، حاکمیت دولت‌ها به معنای بهره‌برداری و استفاده منطقی و معقولانه از سرزمین است.

با این برداشت حقوقی از مفهوم حاکمیت، یکی از موانع اساسی توسعه حقوق بین‌الملل محيط‌زیست، عدم تمایل دولت‌ها به تفویض حاکمیت یا محدود کردن آن به نفع سازمان‌های محيط‌زیستی در سطح بین‌المللی است. ساختار سیاسی حاکمیت همواره میل به تمرکز دارد و از تفویض آن به دیگر مراکز قدرت و تصمیم‌گیری علاقه‌ای ندارد؛ از سوی دیگر، رویارویی و تضاد منافع میان بازیگران اصلی حقوق بین‌الملل، دولت‌ها، در خصوص حفاظت محيط‌زیست که ناشی از حاکمیت ملی دولت‌ها است، توسعه و گسترش حقوق بین‌الملل را با چالش مواجه می‌کند. این تضاد منافع می‌تواند شامل منافع سیاسی، اقتصادی، تجاری و ... باشد (Perrin de Brichambaut, 1996: 395).

بر آن تضاد منافع کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته در اعمال و اجرای مقررات و قواعد حقوق بین‌الملل محيط‌زیست نیز یکی از محدودیت‌های فراروی این رشته حقوقی است. با وجود اصل مسئولیت مشترک اما متمایز دولت‌ها، در بسیاری از منابع حقوق بین‌الملل محيط‌زیست کشمکش میان این دو گروه از دولت‌ها دیده می‌شود. رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص مشروعیت تهدید و به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۹۶¹² نیز نمونه بارز اعمال فشار بر این نهاد بین‌المللی توسط کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای بود؛ گرچه یکی از اصول مهمی که از بیانیه استکهم ۱۹۷۲ تا به حال در بیانیه‌های بین‌المللی محيط‌زیستی مطرح شده، اصل حاکمیت می‌باشد که در حقیقت حاکمیت دولت‌ها را باز تعریف می‌کند و تعریف جدیدی از مفهوم حاکمیت در حقوق بین‌الملل محيط‌زیست متنکی بر مفهوم «استفاده منطقی و معقولانه» از سرزمین ارائه می‌کند ولی سایه حاکمیت مطلقه همچنان در حقوق بین‌الملل محيط‌زیست

11. اصل دوم بیانیه ریو ۱۹۹۲

محیط‌زیست در چند دهه اخیر، تهدیدات و مخاطرات زیست‌محیطی نه تنها کاهش نیافتند؛ بلکه در بسیاری از زمینه‌ها افزایش نیز یافته‌اند. برخی از این محدودیت‌ها در سایر گرایش‌ها و نهادهای مرتبط با حقوق بین‌الملل عمومی نیز قابل ملاحظه است (Ogbodo, 2012: 79).

اختلاف میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

جنبش هنجاری و ساختاری بین‌المللی برای تدوین و اجرای مقررات و قواعد حقوقی اعم از الزام آور و غیر الزام آور برای مقابله با تهدیدات محيط‌زیست جهانی از دهه ۱۹۷۰ آغاز گردید و با فراز و نشیب‌هایی تا به حال ادامه یافته است؛ اما پیشرفت علم و دانش محيط‌زیست به تدریج باعث وسیع تر شدن دامنه این تهدیدها علیه بشریت گردید. در همین چارچوب، مذاکرات و دیپلماسی محيط‌زیستی در بعد منطقه‌ای و جهانی در صدد ایجاد مکانیسم همکاری بین‌المللی دائمی برای کنترل، نظارت و کاهش تخریب محيط‌زیست برآمد. تدوین و تصویب بیش از هزار معاهده و کنوانسیون بین‌المللی دوچانه و چند‌جانبه، یکی از آثار جنبش هنجاری بین‌المللی تلقی می‌شود. با این همه اختلاف میان کشورهای جنوب و شمال، توسعه یافته و در حال توسعه و کشورهای صنعتی و غیر صنعتی، علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن مذاکرات زیست‌محیطی، از نظر ساختاری نیز موانعی برای توسعه حقوق بین‌الملل محيط‌زیست ایجاد نموده است. این اختلافات به خصوص در موضوع تغییرات آب و هوایی و گرمایش زمین مبنی بر قبول مسئولیت بیشتر برای کنترل آلدگی هوا، کاملاً نمایان گردیده است (Poorhashemi et al., 2012: 57-65).

حاکمیت دولت‌ها

گرچه حاکمیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل محيط‌زیست نقش اساسی و کلیدی برای اعمال صلاحیت و پذیرش مسئولیت بین‌المللی دارد و اسناد الزام آور و غیر الزام آور متعددی از جمله رأی داوری بین‌المللی در قضیه تریل اسملتر ۱۹۴۷¹³ و اصل ۲۱ بیانیه استکهم ۱۹۷۲ بر آن دلالت دارد؛ با این همه بر اساس حقوق بین‌الملل محيط زیست، دولت‌ها نباید از سرزمین خود به گونه‌ای استفاده کنند که موجب ضرر و زیان به دیگر سرزمین‌ها شوند؛

سنگینی می کند (Nouzha, 2000: 391-420).

تنوع و گوناگونی منابع حقوق بین الملل محیط‌زیست

گرچه حقوق بین الملل محیط‌زیست در مقایسه با حقوق بین الملل عمومی دارای منابع جدید حقوقی است و ساختار سنتی منابع مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری را شکسته و منابع جدیدی را به رسمیت شناخته است، اما تنوع این منابع به خصوص در بخش معاهدهای بین المللی اعم از دو جانب و چند جانبی سبب شده است که تعهدات و مسئولیت‌های متقاض و متعارضی برای دولت‌های عضو، به همراه داشته باشد. این موضوع موجب گردیده تا نظام هنجاری حقوق بین الملل محیط‌زیست به عنوان نظام حقوقی با نظام ارزشی یا اخلاقی تقلیل پیدا کند و این مسئله سبب بروز مشکل حتی در تعریف مسئولیت بین المللی دولت‌ها شده است؛ علاوه بر آن، تنوع و تکثر منابع حقوقی گرچه می‌تواند به عنوان نقطه قوت این رشته حقوقی به شمار آید، ولی از آنجا که این نظام حقوقی فاقد مکانیسم تتفیق و تدوین مقررات بین المللی است، اثر بخشی خود را از دست داده است. از این روز بیش از نیاز به تدوین مقررات و قواعد حقوقی، نیاز به بازنگری اساسی در منابع حقوق بین الملل محیط‌زیست است که بتواند به طور مؤثری کارایی داشته باشد (موسوی، ۱۳۸۰). به طور کلی منابع حقوق بین الملل محیط‌زیست به خصوص معاهدهای زیست‌محیطی به جای بیان اصول و مفاهیم تکراری که در بسیاری از منابع به چشم می‌خورد، نیازمند تمرکز بر تأمین منابع مالی، برنامه‌های ملی، انتقال تکنولوژی، ظرفیت سازی، مقررات سازمانی و ساز و کارهای اجرایی است تا بتواند به طور مؤثر و مستمر از محیط‌زیست جهانی حفاظت نماید.

گستردگی ابعاد موضوعات زیست‌محیطی

محیط‌زیست همه ابعاد زندگی بشر از جمله آب، هوا، خاک و هر آنچه در کره زمین و مواردی جو وجود دارد را شامل می‌شود. ابعاد موضوعات زیست‌محیطی بسیار گسترده‌اند. تدوین مقررات و قوانین برای هر یک از بخش‌های زیست‌محیطی زمانبر است؛ بنابراین برای اینکه حقوق محیط‌زیست در این شرایط توسعه یابد، باید موضوعات برنامه‌ای، توسعه‌ای و طولانی مدتی را برای این بخش طراحی کند که این مسئله هم کشورهای دارای توانایی‌های

علمی و فنی و هم کشورهای فاقد توانایی‌های علمی و فنی را با مشکلاتی مواجه کرده است. از طرفی دیگر عدم توسعه کافی علم و دانش بشری در خصوص موضوعات مرتبط با محیط‌زیست بر این مشکلات می‌افزاید. در واقع دانش و علم بشری هنوز توانسته همه ابعاد محیط‌زیست را در بر بگیرد.

پژوهی‌نامه بودن حفاظت محیط‌زیست و کمبود منابع مالی

پژوهی‌نامه بودن حفاظت محیط‌زیست و کمبود منابع مالی، خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه که از نظر تعداد، بیشترین کشورها را شامل می‌شوند و منابع مالی کافی برای حفاظت محیط‌زیست ندارند، اجرای سیاری از قواعد حقوق بین الملل را که نیاز به هزینه‌های مالی دارد با مشکلات جدی روبرو کرده است (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۳۵)

ناکارآمدی نظام ضمانت اجرا

گرچه گرایش سنتی حقوق بین الملل عمومی مبتنی بر حسن هم‌جواری و منافع متقابل بوده، ولی حقوق بین الملل محیط‌زیست بیش از آن بر اصولی چون منافع مشترک بشریت، منافع عمومی جامعه جهانی، میراث مشترک بشریت، بهره‌برداری منطقی و معقولانه از سرزمین استوار گردیده است. این اصول گرچه ذاتاً ظرفیت بالای حقوقی حقوق بین الملل محیط‌زیست را در مقابل حقوق بین الملل عمومی نشان می‌دهد (Boisson de Chazournes, 2007: 41-57)؛ ولی در عین حال می‌تواند یکی دیگر از موانع توسعه آن نیز به شمار آید. در واقع، اصول کلی یادشده صرف نظر از ابهام در مفهوم و کاربرد صحیح حقوقی آن، فاقد ضمانت اجرا است و فقدان ضمانت اجرای این اصول کلی سبب گردیده تا قدرت اجرایی آن را کاهش دهد.

چشم انداز آینده: راهکارها و پیشنهادهایی برای توسعه حقوق بین الملل محیط‌زیست

این پژوهش در صدد بیان انحصاری همه فرسته‌ها و چالش‌های فراروی توسعه حقوق بین الملل محیط‌زیست نیست، بلکه تلاش می‌کند تا با در نظر داشتن فرسته‌ها و چالش‌ها فراروی توسعه حقوق بین الملل محیط‌زیست، راهکارهایی را فهرست وار برای مطالعات آتی ارائه نماید.

به رسمیت شناختن حق بر توسعه

حق بر توسعه یکی از مصادیق پذیرفته شده حقوقبشر امروزی است. حفاظت محيط‌زیست در بعد ملی و فرا ملی، محصول توسعه در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. به طور نمونه حفاظت محيط‌زیست و توسعه اقتصادی یکی از پایه‌های اصلی شکل‌گیری مفهوم «توسعه پایدار» است. توسعه پایدار آشتنی دادن نظام‌مند و هنجاری محيط‌زیست بین‌المللی، از یک سو و اقتصاد بین‌المللی از سوی دیگر است. همان‌گونه که در اصل اول بیانیه ریو ۱۹۹۲ تصریح شده است، انسان، محور توسعه پایدار است زیرا انسان‌ها مستحق برخورداری از یک زندگی سالم و خلاق در هماهنگی با طبیعت می‌باشند.^{۱۷} در این چهارچوب، حقوق همبستگی به عنوان حقوق نسل سوم بشری با توسعه پایدار تکامل می‌باید؛ بنابراین، حق بر توسعه باید به نحوی اعمال شود که به طور مساوی، نیازهای نسل کنونی و نسل‌های آینده را در زمینه توسعه و حفظ محيط‌زیست برآورده سازد.^{۱۸}

صرف نظر از نزاع مفهومی در خصوص توسعه پایدار، امروزه توسعه پایدار یکی از مهم‌ترین و مقبول‌ترین رهیافت‌ها برای حفاظت محيط‌زیست است. این رهیافت در قلمرو داخلی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است و بسیاری از کشورها مکانیسم حفاظت محيط‌زیست را با رهیافت توسعه پایدار همگام نموده‌اند. توجه به اقتصاد سبز، بهویژه پس از تشکیل اجلاس ریو + ۲۰ یکی از گرایش‌های مهم در این زمینه به شمار می‌آید. با این همه فراگیر شدن رهیافت توسعه پایدار در بسیاری از کشورها با موانعی روپرتو است (Donald K. Anto, 2012: 64-72) با این حال، تمرکز بر توسعه پایدار و اجرای الگوهای ملی برای اجرای صحیح آن با توجه به عوامل جغرافیایی، زیست محيطی، فرهنگی و سیاسی کشورها می‌تواند گام مهمی برای حفاظت محيط‌زیست کره زمین به شمار آید. از این رو برای چشم انداز آینده حقوق بین‌الملل محيط‌زیست می‌توان نهادینه شدن حق بر توسعه را ممکن دانست. در این چارچوب ایجاد و توسعه رشتة «حقوق بین‌الملل توسعه پایدار» دور از انتظار نیست.

بین‌المللی کردن حفاظت محيط‌زیست

یکی از این راهکارها برای تضمین حفاظت محيط‌زیست کره زمین، اتخاذ رهیافت «بین‌المللی کردن»^{۱۹} حفاظت محيط‌زیست است. این رهیافت بر دو پایه حقوقی استوار است. از یک طرف بر قواعد و مقررات اساسی حقوق بین‌الملل محيط‌زیست که تعییت از آن برای اعضای جامعه جهانی الزامی است. مبنای حقوقی این قواعد و مقررات عمدهاً «عرفي» است و مبنی بر حقوق عرفی است که امروزه برخی از آن به عنوان «قواعد آمره بین‌المللی»^{۲۰} در آمده است. (Dupuy, 1997: 890) برخی از اصول پایه‌ای حقوق بین‌الملل محيط‌زیست از قبیل اصل «منوع بودن صدمه به دیگر سرزمین‌ها»، اصل «استفاده عادلانه و منطقی از سرزمین»، اصل «همکاری متقابل» و اصل «پیشگیری» باید در حفاظت محيط‌زیست جهانی مدنظر قرار گیرد؛ بنابراین توسعه مفهومی و ماهوی حقوق بین‌الملل می‌تواند یکی از راهکارهای مؤثر برای حل محدودیت‌ها و موانع فراروی حقوق بین‌الملل محيط‌زیست تلقی گردد (زارع و پور‌هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۱۰-۱۰۴) و از طرف دیگر، «بین‌المللی کردن» حفاظت محيط‌زیست بر اصل «نهاد سازی»^{۲۱} حقوق بین‌الملل محيط‌زیست معاصر مبنی شده است. نهادی سازی حقوق بین‌الملل به معنای ایجاد و گسترش سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی برای حفاظت مؤثر و کارآمد محيط زیست می‌باشد.

توسعه عدالت زیست‌محیطی و همبستگی بین‌المللی

رهیافت عدالت و همبستگی بین‌المللی،^{۲۲} حلقه مفقوده اقدامات یک‌جانبه دولت‌ها برای حفاظت محيط‌زیست تلقی می‌شود. این رهیافت همچنین می‌تواند شکاف و اختلاف کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را در موضوعات زیست‌محیطی کاهش دهد و به توسعه محتوایی و شکلی این رشتة حقوقی کمک شایانی نماید. بنابراین توسعه عدالت زیست‌محیطی می‌تواند به همبستگی بین‌المللی متوجه شود که خود پیش نیاز حفاظت محيط‌زیست جهانی است.

13. Internationalization

14. Jus cogens

15. Institutionalization

16. International solidarity and justice

۱۷. اصل اول بیانیه ریو ۱۹۹۲

۱۸. اصل سوم بیانیه ریو ۱۹۹۲

جرائم بین‌المللی تخریب محیط‌زیست به عنوان جرم انگاری

عبور از «جنایت علیه نسل‌های آینده» از گذر به رسمیت شناختن «جنایت علیه نسل‌های آینده» می‌تواند علامت پیشرفتی از احساس مسئولیت مضاعفی نسبت به آینده، شرایط آینده بشر و دیگر گونه‌های زنده و محیط‌زیست باشد. بدیهی است حقوق کیفری بین‌المللی هنوز راهکارهای حقوقی مشخصی برای جرم انگاری تخریب محیط‌زیست به عنوان جرائم بین‌المللی ندارد؛ ولی چشم انداز آینده حقوق بین‌الملل می‌تواند «جنایت علیه نسل‌های آینده» را Gaillard, 2011: 183) به عنوان جرم بین‌المللی در نظر گیرد (؛ گرچه دیوان کیفری بین‌المللی علاوه بر رسیدگی به جرائم بین‌المللی سنتی مانند نسل‌کشی و یا جنایات علیه بشریت، یکی از نهادهای قضائی برای به رسمیت شناختن جرم «تخرب وسیع محیط‌زیست» به عنوان جرم بین‌المللی محسوب می‌شود ولی جامعه جهانی برای اجرای کامل آن با محدودیت‌هایی روبرو است. توسعه هنجاری و همکاری بین‌المللی در تدوین شاخص‌های جرم‌انگاری زیست‌محیطی می‌تواند خلاً حقوقی جرم‌انگاری زیست‌محیطی را جبران نماید. در واقع جرم‌انگاری تخریب عمدى و وسیع محیط‌زیست به عنوان جرم زیست‌محیطی و به رسمیت شناختن «تروریسم زیست‌محیطی» می‌تواند به عنوان ضمانت اجرای کیفری حقوق بین‌الملل به شمار آید (پورهاشمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۳).

ارتقای سطح «برنامه محیط‌زیست ملل متحده» به «سازمان جهانی حفاظت محیط‌زیست»

برنامه سازمان ملل متحده برای محیط‌زیست که پیرو بیانیه ریو ۱۹۷۲ تأسیس شد و تا به حال فعالیت نموده است، ظرفیت مدیریت و حفاظت جهانی محیط‌زیست را ندارد و تنها در حد یک برنامه برای تشویق دولتها برای حفاظت محیط‌زیست عمل می‌کند؛ لذا زمان آن رسیده است که سازمانی جهانی برای حفاظت محیط‌زیست با اختیارات و قدرت لازم تشکیل و جایگزین آن گردد. بدیهی است مباحث مربوط به تأسیس این سازمان جهانی نیز خارج از کشمکش کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نخواهد بود، با این همه تغییر ساختاری برنامه سازمان ملل متحده می‌تواند گام مهمی برای توسعه حفاظت محیط‌زیست کرده

الزام بخشی به اصل مسئولیت مشترک اما متمایز دولتها

یکی از مهم‌ترین اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست که تأثیر زیادی در تحقق نسبی عدالت زیست‌محیطی داشته است، اصل مسئولیت مشترک اما متمایز دولتها است. این اصل (مفهوم) در کنوانسیون حقوق دریاها در مواد ۱۳۶ و ۱۳۷ مطرح گرده است. بر اساس این مفهوم کل بشریت از تمامی حقوق موجود در منابع منطقه تعریف شده در حقوق دریاها برخوردار هستند و کلیه فعالیت‌هایی که در منطقه انجام می‌شود باید در راستای منافع بشریت مخصوصاً منافع و نیازهای کشورهای در حال توسعه و مردم سرزمین‌های غیر مختار باشد (ماده ۱۴۰). این مفهوم همچنین در سایر معاهدات بین‌المللی محیط‌زیستی از قبیل کنوانسیون چارچوب ملل متعدد در خصوص تغییرات آب و هوایی ۱۹۹۲ مطرح گردیده است. این اصل گرچه از نظر حقوقی اساساً مبنی بر استناد غیر الزام آور و مبتنی بر حقوق نرم است ولی با این همه در بسیاری از استناد بین‌المللی از جمله معاهدات بین‌المللی بر آن تأکید شده است؛ همچنین رعایت این اصل می‌تواند شکاف کشورهای صنعتی و غیر صنعتی را در حفاظت محیط‌زیست جهانی کاهش دهد؛ با این همه برای فراگیر شدن و اجرایی شدن این اصل گرچه از نظر الزام آور بودن آن است؛ بنابراین الزامی ساختن این اصل در چارچوب معاهدات بین‌المللی یا سایر استناد حقوقی می‌تواند گامی مهمی برای تحقق عدالت زیست‌محیطی در حوزه بین‌المللی به شمار آید (Ulrich, 2006: 75).

مشارکت عادلانه

مشارکت در تصمیم سازی و اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست یکی از پایه‌های مهم حفاظت جهانی محیط‌زیست است. مشارکت در بعد داخلی شامل مشارکت عمومی در تصمیم سازی و اجرای تصمیمات محیط‌زیستی است و مشارکت در بعد بین‌المللی ناظر بر مشارکت همه دولتها اعم از فقیر و غنی، توسعه یافته و در حال توسعه، صنعتی و غیر صنعتی در امر تصمیم سازی بین‌المللی است. در این چارچوب، مشارکت عادلانه مبتنی بر شرکت همه بازیگران داخلی و بین‌المللی اعم از دولتی و غیردولتی به صورت مساوی و دارا بودن حق رأی مساوی در تصمیم گیری محیط‌زیست است.

و راهکارهایی را برای حل آن پیشنهاد دهد. از این رو بازسازی و نوسازی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با هدف ارائه یک چارچوب حقوقی مطلوب، ناظر به توسعهٔ پایدار با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی کشورها ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- پور‌هاشمی، سید عباس؛ نامیان، پیمان؛ طبی، سبحان (۱۳۹۵). «جرائم انگاری تروریسم زیست‌محیطی؛ چالش‌ها، هنجارها و راهبردها». *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*. دوره ۱۷. شماره ۱. ص ۸۳.
- ؛ ارغند، بهاره (۱۳۹۲). *حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*. تهران: نشر دادگستر.
- ؛ زارع، علی (۱۳۸۶). «توسعهٔ نوین در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با تأکید بر کنوانسیون حقوق بهره‌برداری از آبراههای بین‌المللی برای مقاصد غیر کشتیرانی ۱۹۹۷». *دانشنامه حقوق و سیاست*. شماره ۵. ص ۱۱۰.
- موسوی، سید فضل الله (۱۳۸۰). *حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*. تهران: نشر میزان.
- Boisson de Chazournes L. (2007). "La protection de l'environnement global et les visages de l'action normative internationale". *Mélanges en l'honneur de Michel Prieur*. Paris, Dalloz.
- Delmas-Marty, M. (2007). "A quoi sert le droit international ? Le droit international providence du XXI^e siècle ". *RBDI*. N.1.
- Donald K. A. (2012). "The 2012 United Nations Conference on Sustainable Development and the Future of International Environmental Protection, Consilience". *The Journal of Sustainable Development*. Vol. 7, Iss. 1.
- Dupuy P.M. (1997). "Où en est le droit international de l'environnement à la fin du siècle?". *RGDIP*. vol. 4.
- PCC. (2013). Summary for Policymakers, 27 September 2013, *IPPC WGI AR5*, aux pp. SPM-3. SPM-15.
- Gaillard E. (2011). "Des crimes contre l'humanité

زمین باشد. در زمینهٔ چالش‌های زیست‌محیطی در وسعت جهانی، مدیریت جهانی محیط‌زیست حائز اهمیت است. نظام مدیریتی حفاظت محیط‌زیست جهانی با هر عنوانی از قبیل آژانس بین‌المللی محیط‌زیست، مقام بین‌المللی محیط‌زیست، سازمان محیط‌زیست جهانی و... با دارا بودن اقتدار لازم یکی از ضرورت‌های کارآمدی اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به شمار می‌آید (Leary and Pisupati, 2010: 127-146).

بحث و نتیجه گیری

توسعهٔ تدریجی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بیش از هر چیز مرهون گسترش کمی و کیفی معاهدات بین‌المللی، آراء و رؤیه‌های قضایی بین‌المللی و گسترش حقوق نرم بوده است. با این همه افزایش مخاطرات، تهدیدها و تحریب وسیع محیط‌زیست سبب نگرانی‌هایی برای عدم کارایی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، برای مقابله با این چالش‌ها شده است. در این چارچوب بازنگری اساسی در حقوق معاهدات، نگرش قضات دیوان بین‌المللی دادگستری، اصلاح ساختار برنامه سازمان ملل متحد برای محیط‌زیست، به رسمیت شناختن نقش بازیگران غیردولتی، می‌تواند راهکارهایی برای جبران خلاصهای حقوقی و اجرایی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به شمار آید.

برای جبران خلاصهای حقوقی و اجرایی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در مواجهه با چالش‌های جدید و در حال ظهور زیست‌محیطی، با در نظر داشتن «اصل اثربخشی» باید به دنبال تدوین و تصویب مقررات جامعی بود که بتواند ارتباط تعریف شده‌ای میان توسعهٔ پایدار، حقوق بشر زیست‌محیطی و نظام اقتصادی برقرار نماید.

«جامع نگری» در فرایند تدوین، تصویب و اجرای مقررات و قواعد بین‌المللی یکی از چشم‌اندازهای آینده حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است. در این رهیافت علاوه بر ارتباط سه‌گانه یاد شده، در کلیهٔ طرح‌ها، برنامه‌ها، سیاست‌ها و تصمیمات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در قلمرو داخلی و بین‌المللی حفاظت محیط‌زیست به عنوان محور توسعهٔ قرار می‌گیرد.

رهیافت انتقادی به حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیز در محیط‌های علمی و آکادمیک می‌تواند چالش‌ها و کاستی‌های این رشته نسبتاً نوپای حقوق بین‌الملل عمومی را نشان دهد

aux crimes contre les générations futures: Vers une transposition du concept éthique de responsabilité transgénérationnelle en droit pénal international? ".

The McGill International Journal of Sustainable Development Law and Policy (JSDLP). Volume 7. Iss. 2.

Goodwin E.J. (2013). "Delegate Preparation and Participation in Conferences of the parties to Environmental Treaties". *International Community Law Review*.

Kiss A. et Beurier J.P. (2004). *Droit international de l'environnement*. Paris: Pedone.

Kiss A. (1993). "Les traités-cadres: une technique juridique caractéristique du droit international de l'environnement". *AFDI*.

Leary D. & Pisupati B. (2010). *The Future of International Environmental Law*. Tokyo: United Nations University Press.

Lavieille J. M. (1997). (éd.), " Les institutions créées par des Conventions internationales relatives à la protection de l'environnement ". Université de Limoges. *CRIDEAU-CNRS*.

Nouzha C. (2000). "Réflexion sur la contribution de la Cour internationale de justice à la protection des ressources naturelles". *RJE*, vol. 3.

Ogbodo, S. Gozie (2012). "An Overview of the Challenges Facing the International Court of Justice in the 21st Century". *Annual Survey of International & Comparative Law*. Vol. 18: Iss. 1, Article7. Available at: <http://digitalcommons.law.ggu.edu/annlsurvey/vol18/iss1/7> (accessed September 21, 2017)

Perrin de Brichambaut M. (1996). "Les avis consultatifs de la CIJ sur la licéité des armes nucléaires". *AFDI*.

Poorhashemi S. A., Khoshmaneshzadeh B., Soltanieh M. & Hermidasbavand D. (2012). "Analyzing the individual and social rights condition of climate

refugees from the international environmental law perspective". *International Journal of Environmental Science and Technology*. January. Vol. 9. Iss. 1.

Ulrich B. (2006). "Bridging the North-South Divide in International Environmental Law". *Max-Planck-Institut für ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht*, <http://www.zaoerv.de>. (accessed September 25, 2017)

ICJ. Legality of the Use by a State of Nuclear Weapons in Armed Conflict, 1996.

UNEP (2016). UN Environment, "Annual Report 2016". <https://wedocs.unep.org/bitstream/handle/20.500.11822/19529/UN%20Environment%202016%20Annual%20Report.pdf?sequence=1&isAllowed=y> (accessed October 28, 2017)

Rio Declaration (1992), Declaration on Environment and Development, The United Nations Conference on Environment and Development, Rio de Janeiro, 3 to 14 June 1992, <http://www.unep.org/documents.multilingual/default.asp?documentid=78&articleid=1163> (accessed September 28, 2017)

Stockholm Declaration (1972). "Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment'. available at: <http://www.unep.org/documents.multilingual/default.asp?documentid=97&articleid=1503> (accessed October 30, 2017)

Statute of the International Court of Justice (1945). available at: <http://www.icj-cij.org/documents/?p1=4&p2=2> (accessed October 18, 2017)

Trail smelter Case (United States, Canada) 16 April 1938 and 11 March 1941.